جلسه 80-432

**‌شنبه - 17/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به نماز در کشتی در حال حرکت بود که عرض کردیم فرقی با نماز در سایر وسیله‌های نقلیه مثل اتوبوس قطار هواپیما نمی‌کند. اگر انسان بتواند شرائط نماز اختیاری را رعایت کند مثل استقبال قبله استقرار بدن رکوع و سجود اختیاری، نماز در آن جایز است.

البته لازم به تذکر است که صرف تکان شدید بدن در اثناء نماز مضر نیست. اگر انسان بتواند با استقرار و طمأنینه بدن تکبیرة الاحرام بگوید و حمد و سوره بخواند و ذکر واجب رکوع و سجود و تشهد و تسبیحات اربعه را در این حال بجا بیاورد و اگر اتفاقا دچار تکان شدید شد تکرار کند این‌ها را این مشکلی ایجاد نمی‌کند. مگر این‌که تکان شدید آنقدر مستمر باشد که اتیان ذکر واجب در آن فتره‌ای که بدن استقرار و طمأنینه پیدا می‌‌کند موجب فصل طویل ماحی صورت صلات بشود که در این صورت نماز باطل است. اما اگر شرائط اختیاری نماز را انسان نتواند رعایت کند در این وسیله‌های نقلیه، نمی‌تواند در حال اختیار در این‌ها نماز بخواند، اگر سعه وقت هست باید انسان یا قبل از این‌که هواپیما حرکت کند یا کشتی حرکت کند نمازش را بخواند یا بعد از این‌که هواپیما نشست یا کشتی به مقصد رسید و وقت باقی هست نماز را در آخر وقت بخواند.

البته یک نکته‌ای عرض کنم:

راجع به لزوم استقرار بدن مصلی و عدم اضطراب بدن او مبانی مختلف است. مشهور قائلند که در جمیع حالاتی که مطرح شد، ‌تکبیرةالاحرام قرائت، ذکر واجب رکوع و سجود تشهد تسبیحات اربعه باید بدن استقرار داشته باشد. ولی مرحوم آقای خوئی در ادله لفظیه آن مناقشه کردند، ‌تنها دلیل را صحیحه بکر بن محمد ازدی دانستند که در خصوص رکوع و سجود بود: اذا رکع فلیتمکن و اذا سجد فلینفرج و لیتمکن، و الغاء خصوصیت از ذکر واجب در رکوع و سجود به بقیه ذکرهای واجب مثل تشهد تسبیحات اربعه بلکه تکبیرةالاحرام قرائت حمد و سوره مورد قبول ایشان نبود. فقط فرمودند دلیل بر لزوم استقرار در این موارد اجماع هست که او هم دلیل لبی است. طبق مبنای ایشان نباید تکان خوردن بدن در وسائل نقلیه در غیر حال رکوع و سجود مخل باشد چون خارج از قدرمتیقن از اجماع است مخصوصا در کشتی که برخی از فقهاء قائل بودند که شرائط اختیاری را انسان اگر در داخل کشتی نتواند رعایت کند مهم نیست و لازم نیست که از کشتی پیاده بشود و در روی زمین اگر نزدیک ساحل هست نماز بخواند.

یک نکته‌ای هم عرض کنم:

ما راجع به اذا رکع فلیتمکن و اذا سجد فلینفرج و لیتمکن، ‌استظهارمان بیش از این نیست که در حال ذکر واجب رکوع و سجود باید تمکن و استقرار داشته باشد. البته الغاء خصوصیت از آن به بقیه حالات نماز بحث دیگری است که ما بعید نمی‌دانستیم خلافا للسید الخوئی. اما آقای سیستانی از این صحیحه بکر بن محمد استفاده بیشتری کردند. فرمودند ظاهر اذا رکع فلیتمکن این است که به مجرد این‌که رکوع کند شرط رکوع این است که استقرار داشته باشد تا رفع رأس از رکوع بکند. یعنی قبل از ذکر واجب رکوع هم باید استقرارش را حفظ کند بعد از ذکر واجب رکوع هم باید استقرارش را حفظ کند مگر آن لحظه‌ای که می‌‌خواهد سرش را از رکوع بردارد. یا در حال سجده از وقتی سرش را به مهر گذاشت و مواضع سبعه‌اش را روی زمین گذاشت باید بدنش را آرام نگه دارد تا آن وقتی که سر از سجود بر می‌‌دارد. این‌که بگوید من هنوز ذکر واجب سجود را شروع نکردم می‌‌توانم جابجا بشوم یا ذکر واجب سجودم را گفتم می‌‌خواهم ذکر مستحب را ادامه بدهم حالا در اثناء یک مقدار جابجا بشوم در حال سجود که راحت‌تر باشم یا به هر انگیزه دیگر ایشان فرموده این جایز نیست. اذا سجد فلینفرج و لیتمکن اطلاقش اقتضاء می‌‌کند لزوم تمکن و استقرار را تا آن لحظه‌ای که سر از سجود بردارد و این شرط صحت سجود است. اگر کسی عمدا یا از روی جهل تقصیری اخلال بورزد به این شرط نمازش ایراد پیدا می‌‌کند.

ولی انصافا ما از این تعبیر اذا رکع فلیتمکن و اذا سجد فلیتمکن استفاده نمی‌کنیم که از ابتداء رکوع و سجود تمکن لازم است تا انتهاء رکوع و سجود. این خارج از متفاهم عرفی این روایت است. اگر در حال ذکر واجب رکوع و سجود شرط باشد این استقرار این تعبیر تعبیر صحیحی است که بگویند اذا رکع فلیتمکن و اذا سجد فلیتمکن. این مطلبی است که به نظر ما می‌اید.

از این بحث بگذریم.

اگر شخص در تمام وقت عاجز باشد از نماز در غیر این وسیله نقلیه یعنی این وسیله نقلیه از ابتداء وقت نماز تا آخر وقت نماز در حال حرکت است. مثل این‌که بلیط هواپیما یا قطار در ساعتی تهیه شده که وقت نماز است، ‌نه قبلش می‌‌تواند نماز بخواند با رعایت شرائط اختیاریه نماز یا بعدش. بحث این است که اولا آیا جایز است کسی که مضطر نیست به سفر و یا اگر مضطر هست به سفر مضطر نیست که در این ساعت سفر کند آیا جایز است خودش را عاجز کند از نماز اختیاری؟ سوار هواپیما بشود اذان صبح را در حالی که هواپیما در حال حرکت است می‌‌گویند و وقتی هم که به مقصد می‌‌رسد آفتاب طلوع کرده و این فقط می‌‌تواند نماز را با شرائط اضطراری بخواند آیا جایز است اختیارا که سوار این هواپیما بشود یا جایز نیست. این بحث مهمی است که از آن تعبیر می‌‌شود به مقدمات مفوته. یعنی مقدماتی است که اگر انسان قبل از وقت تهیه نکند در داخل وقت عاجز از تحصیل آن هست. اگر بعد از اذان سوار این هواپیما بشود که دیگر نمی‌تواند نماز اختیاری بخواند که قطعا جایز نیست مگر مضطر باشد. اما اگر قبل از وقت سوار این هواپیما می‌‌شود و این هواپیما از اول وقت در حال حرک است تا آخر وقت این می‌‌شود تعجیز نفس قبل از دخول وقت نماز از شرائط اختیاری نماز. تعجیز نفس قبل از دخول وقت از نماز اختیاری.

مرحوم آقای خوئی مبنای‌شان این بود که حتی تعجیز نفس قبل از وقت از اصل نماز هم جایز است. مثل این‌که شخصی می‌‌خوابد قبل از وقت و می‌‌داند تا آخر وقت بیدار نمی‌شود. در صراط النجاة جلد 1 صفحه 68 سوال کردند از ایشآن‌که اذا استیقظ قبل دخول الفجر بمدة یسیرة خمس او عشرة دقائق مثلا فهل یجوز له معاودة النوم اذا کان یعلم او یحتمل احتمالا قویا انه لایستیقظ الا بعد خروج الوقت. الخوئی: لایحرم ذلک و ان کان لاینبغی ان یفعل. در صفحه 74 یک قیدی زدند فرمودند ان لم یکن تهاونا بالصلاة فلابأس. استخفاف به نماز اگر تلقی نشود اشکالی ندارد. ایشان در اصول هم در بحث واجب مشروط نظرشان این بود که انسان قبل از دخول وقت و یا قبل از حصول شرط در واجب موقت و واجب مشروط می‌‌تواند خودش را عاجز کند از آن، وقتی که این واجب می‌‌خواهد فعلی بشود به دخول وقتش یا حصول شرطش این شخص عاجز است و تکلیف شامل عاجز نمی‌شود. و ما وقتی که خطاب شامل این شخص نشد کشف نمی‌کنیم که ملاک ملزمی از او فوت شده مگر دلیل خاصی داشته باشیم مثل دلیل وجوب تعلم اگر قبل از وقت مسائل این واجب را یاد نگیرد در داخل وقت عاجز می‌‌شود از انجام آن این‌جا را ایشان فرموده اطلاق دلیل وجوب تعلم کشف می‌‌کند ملاک ملزم فوت شده از این شخص. و لذا تعلم می‌‌شود واجب. اما غیر تعلم دلیلی بر وجوب ندارد.

و لکن به نظر ما تحصیل مقدمات مفوته عقلائا لازم است. همان‌طور که امام قدس سره فرمودند اگر کسی عند العقلاء مولی به او یک خطاب مشروطی بکند خطاب موقتی بکند بگوید ان جاءک زید فاکرمه مثلا و این عبد می‌‌داند که اگر الان مقدمات اکرام او را فراهم نکند قبل از مجیء او بعد از مجیئش عاجز است از اکرامش عقلاء معذور نمی‌دانند این عبد را اگر ترک بکند تحصیل مقدمات را. و انصافا به نظر ما در مرتکز عقلائی تحصیل مقدمات مفوته لازم است. و مؤیدش این است که در دو روایت صحیحه سؤال کردند از حضرت که کسی می‌‌رود در جایی که آب برای وضوء‌نیست، مجبور است تیمم بکند، امام فرمودند لاأری ان یخرج الی مکان یوبق دینه نباید برود به جایی که دینش را به خطر بیندازد.

و لذا تحصیل مقدمات مفوته لازم است. و نتیجه این است که اگر شخص مضطر نیست و به حرج نمی‌افتد نباید سوار این هواپیمایی بشود که می‌‌داند اگر سوار این هواپیما بشود عاجز خواهد بود از رعایت شرائط اختیاری نماز. حالا اگر مضطر است اشکالی ندارد در آن‌جا نماز را با شرائط ممکن می‌‌خواند یا کسی که داخل در کشتی هست و مضطر است نمی‌تواند پیاده بشود و نمی‌تواند شرائط اختیاریه نماز را رعایت کند آن مقدار از شرائط نماز را که می‌‌تواند رعایت کند. صاحب عروه فرموده است نعم مع الاضطرار و لو لضیق الوقت عن الخروج من السفینة یجب علیه حینئذ مراعاة الاستقبال و الاستقرار بقدر الامکان فیدور حیثما دارت السفینة و ان امکنه الاستقرار فی حال القراءة و الاذکار و السکوت حین الاضطراب وجب ذلک مع عدم الفصل الطویل الماحی للصورة‌ و الا فهو مشکل.

البته ما نفهمیدیم که اگر فصل طویل ماحی صورت بشود در اثناء عدم استقرار این مصلی یعنی اگر این مصلی بخواهد مکث کند تا تکان شدید کشتی که موجب تکان بدن او است تمام بشود این منشأ می‌‌شود که مکث طویل ماحی صورت صلات محقق بشود چرا صاحب عروه این‌جا فرمود فهو مشکل؟ این دیگه نماز صدق نمی‌کند عرفا و این نماز باطل است. نباید اینقدر تاخیر بیندازد با همان عدم استقرار بدنش نمازش را ادامه می‌‌دهد.

نسبت به استقبال قبله هم اگر بتواند استقبال قبله را تا آخر نماز رعایت کند باید رعایت کند و لو با چرخیدن به سمت قبله، ‌اما اگر نتواند اول نماز رو به قبله بایستد و لو در اثناء نماز از قبله منحرف بشود. در موثقه یونس بن یعقوب آمده که استقبل القبلة‌ در مورد سفینه است. سألته عن الصلاة فی السفینة و هی تأخذ شرقا و غربا فقال استقبل القبلة‌ ثم کبر ثم درّ‌ مع السفینة حیثما دارت بک. وسائل الشیعة جلد 4 صفحه 321. فرمود اول نماز در سفینه رو به قبله بایست بعد اگر می‌‌توانی سفینه از قبله می‌‌خواهد منحرف بشود شما جوری بدنت را قرار بده که به سمت قبله بمانی. در صحیحه حلبی که در جلد چهارم وسائل الشیعة صفحه 320 هست می‌‌فرماید که عن الصلاة فی السفینة قال یستقبل القبلة‌ و یصفّ رجلیه فاذا دارت و استطاع ان یتوجه الی القبلة و الا فلیصل حیت توجهت به. اول نماز رو به قبله می‌‌ایستد اگر کشتی چرخید به یک سمت دیگر و این مصلی توانست توجهش را به قبله حفظ کند همین کار را بکند اگر نمی‌تواند و الا فلیصل حیت توجهت به منحرف از قبله هم بشود اشکال ندارد، فقط اول نماز رو به قبله بایستد.

بعض از اخبار ضعیفه که در فقه الرضا و مرسله هدایه صدوق و مرسله من لایحضره الفقیه است در این‌ها آمده که اگر نمی‌تواند به سمت قبله بایستد به طرف صدر سفینه، جلوی سفینه نماز بخواند. مثلا در فقه الرضا صفحه 146 آمده اذا کنت فی السفینة و حضرت الصلاة فاستقبل القبلة‌و صل و اذا دارت السفینة فدرّ‌ معها و تحر الی القبلة و ان عصفت الریح فلم یتهیأ لک ان تدور الی القبلة فصل الی صدر السفینة.

و لکن این روایت سند ندارد. فقه الرضا معتبر نیست و آنچه که در من لایحضره الفقیه و هدایه نقل شده مرسله است. و لذا در مورد کسی که در اثناء نماز نمی‌تواند استقبال قبله را حفظ کند نیاز نیست که استقبال قبله را حفظ کند به همان سمتی که نماز را شروع کرد و به سمت قبله به همان نحو بایستد تکان نخورد و نیازی هم نیست که به سمت جلوی سفینه متوجه بشود. این راجع به این مسأله است.

مسأله 24 را هم قبلا توضیح دادیم که راجع به این است که در حال اختیار می‌‌شود در سفینه نماز خواند چه در حالی که سفینه ایستاده است چه در حال حرکت. و حرکت تبعیه بدن مصلی مضر نیست. ولی اگر مصلی بدنش جدای از حرکت کشتی تکان شدید می‌‌خورد این مضر است و در حال اختیار اکتفاء به آن جایز نیست.

## مسأله 25: نماز بر صبره گندم و مانند آن

کلام واقع می‌‌شود در مسأله 25 که در عروه فرموده است لاتجوز الصلاة علی صبرة الحنطة و بیدر التبن و رکوبة ‌الرمل مع عدم الاستقرار و کذا ما کان مثلها. نماز بر صبره گندم و یا بیدر تبن و کاه و یا کومه‌ای از رمل که بدن انسان روی آن مستقر نیست و دچار تکان و عدم طمأنینه می‌‌شود جایز نیست که مطلب واضحی هست. کلام واقع می‌‌شود در شرط سوم مکان مصلی که فرموده است ان لایکون معرضا لعدم امکان الاتمام که ان‌شاءالله در جلسه آینده بحث می‌‌کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.